

برخی مخالفان وزارت نفت فکر می‌کنند می‌توان مشابه دولت احمدی‌نژاد پولی به جیب زد



وزارت نفت وزارتخانه‌ای تخصصی است و انتقادهای سیاسی بر آن زیاد است؛ انتقادهایی که وجه فنی در آن اندک اما غرضورزی نسبت به دولت در آن بسیار دیده می‌شود. محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ضمن اشاره به چرایی این حمله‌ها معتقد است برخی همچنان فکر می‌کنند می‌توانند مشابه دولت احمدی‌نژاد پولی به جیب بزنند. او می‌گوید که زنگنه مدیر هوشمندی است، سرش کلاه نمی‌رود و قطعاً تن به خواسته‌ها و مطالبات برخی نمی‌دهد، از همین رو در سبیل انتقادهای قرار می‌گیرد.

به‌تازگی شاهد حمله‌ها و هجمه‌های زیادی به برخی وزارتخانه‌های اقتصادی و در راس آن وزارت نفت بودیم. به هر حال این وزارتخانه فارغ از عملکرد کاملاً تخصصی که دارد به دلیل تجمع پول و قدرت همواره برای جریان‌های رقیب دولت‌های مستقر از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. به نظر شما قرار گرفتن این وزارتخانه روی سبیل انتقادهای به خاطر شخص زنگنه است یا وزارت نفت به خاطر رقابت جریان‌های قدرت با چنین رویکردهایی روبه‌رو می‌شود؟

وزارت نفت از جهات متعددی اهمیت دارد و همیشه مورد اهتمام و توجه رؤسای جمهوری بوده است. اولین رکن اهمیت وزارت نفت مسئولیت اکتشاف و استخراج منابع نفت است که یکی از شاه‌رگ‌های حیات اقتصادی کشور، دولت و نظام سیاسی ایران است. محور دوم اهمیت وزارت نفت ساختار فنی و توسعه یافته‌ای است که از دوران بسیار قدیم – از زمان شرکت نفت ایران و انگلیس که مسئولیت استخراج نفت را به‌عهده داشته تا به امروز – عمری چند ده ساله و قریب به ۶۰ سال را سپری کرده و نهادی نیرومند است که بسیار موفق عمل کرده و می‌کند. محور سوم اهمیت وزارت نفت در حوزه قدرت و توسعه تکنولوژیکی است که مهندسان شرکت نفت پیشقراولان آن هستند و امروز می‌توانند بزرگ‌ترین پالایشگاه‌ها را بسازند و با تکیه بر توان ملی پیشران قدرت مهندسی ایران باشند. محور دیگری که می‌توان بر آن تاکید کرد شرایط خاص و

بحرانی است که امروز با آن مواجه هستیم. ما در حال تجربه تحریم‌های سنگین آمریکا علیه ایران هستیم و بخش سنگینی از فشار این تحریم‌ها را در حوزه نفتی و شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نفت می‌توان مشاهده کرد. محور آخر اهمیت نیز این است که وزارت نفت به دلایل کلانی که اشاره شد و به دلایل خردتر و جزئی‌تری که می‌توان به آن اشاره کرد همیشه تکیه‌گاه حل مسائل و مشکلات مدیریتی روسای جمهوری و مدیران کشور بوده است. مجموعه این شرایط جایگاه رفیع و مهم یکی از نهادهای توسعه ملی یعنی وزارت نفت و شرکت ملی نفت و شرکت‌های زیرمجموعه آن را نشان می‌دهد و طبیعی است که رقبا و مخالفان سیاسی رئیس‌جمهوری هم برای اجرای برخی سیاست‌های تخریبی و رقابتی این نهاد را هدف قرار دهند. فارغ از این بحث ما یکی از کشورهای مهم جهان در تولید گاز هستیم و در مجمع کشورهای صادرکننده گاز هم از اهمیت زیادی برخورداریم. ذخایر گازی ما به لحاظ حجم ارزی و درآمدی زیاد است و بر اساس قیمت جهانی بیش از ۴ هزار میلیارد دلار منابع گازی داریم. این موضوع هم اهمیت ملی این نهاد تخصصی را نشان می‌دهد. از این بحث که عبور کنیم موقعیت شخص آقای زنگنه نیز حائز اهمیت است. او شیخ‌الوزرای دولت است. زنگنه از ابتدای انقلاب تا امروز نزدیک به ۳۰ سال سابقه وزارت دارد. تجارب تاریخی مهم و ارزشمندی در این دوران کسب کرده و بسیار هوشمند است. همچنین تحصیلات بالایی دارد، مدرس دانشگاه بوده و با مدیران مختلفی کار کرده است. طبیعی است که چنین فردی با چنین سابقه‌ای به راحتی تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد و به زبانی دیگر سرش به راحتی کلاه نمی‌رود. برخی به لحاظ تاریخی با او مشکل دارند و برخی مطالبات و منافع داشتند که از سوی زنگنه اجابت نشده است. مجموعه این دلایل سبب می‌شود که زنگنه و وزارت نفت روی سیبل انتقادات قرار گیرند.

مخالفان دولت و مدیریت زنگنه هم بحث فروش نفت را مورد انتقاد قرار می‌دهند. همچنین این جریان به خبرسازیهایی در مورد وزارت نفت نیز روی آورده‌اند که همواره تکذیب شده است. شما ماهیت جریانی را که دست به این مخالفخوانی‌ها یا خبرسازیهایی می‌زنند چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این جریان اتهام‌هایی را مطرح می‌کند که آنقدر وزن ناچیزی دارد که نباید محل اعتنا باشد. برای نمونه خبری منتشر کردند که یک دستگاه پوز در دفتر زنگنه پیدا شده است. این خبر را جوری آب و تاب دادند و منتشر کردند که گویی فساد بزرگ در وزارت نفت رخ داده و مسئول

مستقیم آن زنگنه است و انگار این دستگاه پوز محلی برای اخذ رشوه از سوی وزیر نفت بوده است. این موضوع بررسی و مشخص شد که این دستگاه پوز برای یکی از کارمندان بوده که با استفاده از آن کارهای روزمره انجام می‌داده که با او نیز برخورد شد. این نوع خبرسازی‌ها که اهمیتی ندارد، بلکه بیشتر عوام‌فریبانه است. این جریان به این گونه خبرسازی‌ها تمسک می‌جویند تا افکار عمومی را مخدوش کنند، زیرا اگر کسی واقعا در مقام نقد وزارت نفت باشد باید با اطلاعات دقیق در مورد حوزه‌های نفتی، مهندسی نفتی یا در حوزه فنی اظهار نظر کند و بگوید دچار ضعف‌هایی هستیم. این در حالی است که متأسفانه هیچ کدام از نقدها از این جنس نیست. همچنین به بحث فروش نفت اشاره کردید؛ آقای زنگنه تجارب ارزشمندی در زمینه مدیریت نفتی و فروش دارد. عملکرد و کارنامه ایشان نیز مشخص است. همچنین درآمدهای نفتی و تیم فروش و قدرت فروش نیز مشخص است. هیچ عامل داخلی در وضعیتی که امروز گرفتار آن هستیم، دخیل نبوده است.

برخی معتقدند مخالفان زنگنه در پی فروش نفت از راه‌هایی هستند که شاید منجر به بازتولید بابک زنجانی‌ها شود، موضوعی که با مقاومت زنگنه روبه‌رو شده است. این موضوع را در حمله به زنگنه چقدر موثر می‌دانید؟

در طول تاریخی که شرکت ملی نفت و بعد وزارت نفت داشتیم آنقدر ساختارها توانا و قدرتمند بوده‌اند که احدی نمی‌توانسته از این ساختارهای موجود خارج شده و تخلفی کند، زیرا هر تخلف و تعدی نشان داده می‌شده است. اساساً این موضوع که مچ پدیده‌ای به نام بابک زنجانی گرفته و توسط دستگاه قضایی بازداشت می‌شود ناشی از کارآمدی و شفاف بودن ساختار تولید و فروش نفت است. در مقطعی که آقای احمدی‌نژاد بر سر کار بوده از مسیر اصلی عدول شده و برخی به صورت غیرحرفه‌ای وارد بازار فروش نفت شدند، اما به سرعت مچ‌شان گرفته شده و باید پاسخگو باشند. چنین نهاد چارچوب‌دار و روشنی اجازه هیچ گونه حرکت غیرحرفه‌ای و غیرشفافی را نمی‌دهد. امروز هم که به‌خاطر تحریم دچار فشارها و بحران‌های زیادی هستیم و فروش نفت به شدت کاهش پیدا کرده اگر قصد افزایش فروش داشته باشیم باید مکانیسم‌هایی تعبیه شود که همه نهادهای سیاستگذاری در کشور از دولت و حتی فراتر از سطح دولت برای مدل فروش نفت توافق جامعی داشته باشند که از درون آن بابک زنجانی در نیاید.

کسانی که امروز در مقام مخالفان وزارت نفت قرار گرفته‌اند، تصور می‌کنند مشابه همان دوران آقای احمدی‌نژاد به بهانه تحریم کارهایی

انجام دهند و پولی به جیب بزنند. در واقع کسانی که سرمایه ملی ما را به باد می‌دادند، دوست دارند باز همان زمان تکرار شود. آقای زنگنه هم گردن کلفت و مدیر موفق و وزیر توانایی است و اجازه نمی‌دهد چنین اتفاقی رخ دهد. او باور دارد که در این زمان باید راهکارهایی تعبیه شود که هم بتوان در پیشگاه خداوند پاسخگو بود، هم سرمایه ملی از بین نرود و نهادهای نظارتی نیز این اقدامات و راهکارها را مشروع بدانند. مجموعه این مقاومت‌ها، حضرات را ناراحت کرده و آقای زنگنه نیز چون هوشمند است، اجازه نمی‌دهد به دلیل تعجیل برخی مدیران و تصمیم‌گیران در راستای تقویت درآمد نفتی اتفاقاتی همچون دوران قبل رخ دهد.

به جز آن دسته از خبرسازیهایی که منشأ مشخصی ندارد برخی چهره‌های سیاسی شناخته شده همچون جلیلی یا زاکانی نیز از مخالفان سرسخت وزارت نفت هستند. حتی برخی همچون جلیلی مدعی‌اند که دولت در سایه تشکیل داده و اقدام‌ها را به صورت دقیق بررسی می‌کنند. اما به نظر می‌رسد این دولت در سایه نه تنها به مفهوم دقیق آن شکل نگرفته، بلکه دولت پنهانی است که در تخریب و تضعیف دولت موثر است. به نظر شما مشخصاً چهره‌های سیاسی که به وزارت نفت حمله می‌کنند، دولت در سایه تشکیل داده‌اند یا بخشی از یک جریان پنهان هستند که تریبون در اختیار دارند؟

اولاً به هر حال حرمت فعالان سیاسی باید حفظ شود. دوم، ما دولت در سایه را به رسمیت می‌شناسیم و اتفاقاً توصیه می‌کنیم احزاب رقیب که می‌خواهند در برابر آقای روحانی و مدیرانش قد علم کنند دقیقاً به صفت همان دولت در سایه ظهور و بروز یابند و حرکت کنند. اما توصیه من این است که اگر می‌خواهند دولت در سایه وزنی پیدا کند، سخنش شنیده شود و مردم حجت آنها را نیز باور کنند باید سعی کنند نقد کارشناسی و منصفانه ارائه دهند. باورم این است که آقایان زاکانی و جلیلی و برخی دیگر از دوستان شخصیت‌های اصولگرای قابل احترام و مومنی در جریان اصولگرایی هستند اما به نظر می‌رسد در حوزه مباحث سیاسی بیشتر در زمینه مدیریت عام صاحب پیام هستند. آنها باید مأموریت نقد وزارت نفت و زنگنه را به کسانی واگذار کنند که از جنس و صنف خود آنها هستند یا تجربه مدیریتی در حوزه نفت داشته باشند. باید کسانی نقد کنند که واجد صلاحیت‌اند. وقتی نقد فقط توسط چهره‌های سیاسی صورت می‌گیرد و پشتوانه کافی و استدلال حرفه‌ای ندارد طبیعی است که مخاطبان بر پایه این رفتار این گونه قضاوت می‌کنند که ظاهراً تسویه حساب سیاسی و با هدف زدن دولت و شخص

روحانی است.

فکر می‌کنید اساساً این گروه‌ها توانسته‌اند دولت در سایه‌ای تشکیل دهند؟

ما باید دولت در سایه را به رسمیت بشناسیم، اما وقتی دوستان ما از موضع رقابت و به عنوان دولت در سایه نقد حرفه‌ای و مشفقانه ندارند، وقتی به گونه‌ای دیگر عمل می‌کنند و بر توهم‌زایی دامن می‌زنند به این معنا است که می‌خواهند یا به صورت پوشیده و پنهان یا با استفاده از چند تریبون دولت را مورد حمله قرار دهند.